

امپریالیستهای اشغالگر گورتان را از عراق گم کنید!

با حمله نظامی آمریکا و انگلیس به عراق، دنیا شاهد یکی از هولناکترین جنایات علیه بشریت در تاریخ خود شد. امپریالیستهای آمریکایی و انگلیسی بیش از سیصد هزار نفر از نیروهایشان را بسیج و با پیشرفته ترین سلاحهای کشتار همگانی مسلح کردند تا علیه یکی از کشورهای جهان سوم که در بیست و سه سال گذشته درگیر جنگ و بیش از یک دهه اسیر تحریمهای اقتصادی قدرتهای امپریالیستی بوده اند، بجنگند.

با این حمله دنیا شاهد دلخراشترین صحنه هایی از مردم زحمتکش و ستمکشی شد که در سوک از دست دادن عزیزانشان به شیون و عزاداری می پرداختند و یا با ناباوری تمام؛ ماتم زده شده بودند.

دنیا شاهد عوامفریبی های باور نکردنی و تهوع آور خون آشامان آمریکایی و انگلیسی بود که تجاوز لجام گسیخته و اشغال وحشیانه را از آزاد کردن مردم عراق اعلام کردند. آنها در حالی به چنین دروغهای بیشرمانه ای می پرداختند که مصمم بودند بر سر مردم عراق بمب های یازده هزار کیلویی بیاندازند. خانه و کاشانه اشان را برساشان ویران کنند، آب را بر آنها ببندند، شهرهایشان را محاصره کنند؛ بازارهایشان را بمباران کنند و بمب و گلوله را جایگزین نان و آب سفره آنها کنند. آنها در شرایطی عوامفریبانه برای مردم عراق اشک تمساح می ریختند که بیش از یک دهه تحریم های سازمان ملل شالوده اقتصاد وابسته عراق را در هم پاشیده بود. بیش از یک میلیون عراقی در اثر سوء تغذیه و یا کمبود دارو که نتیجه مستقیم این تحریمها بود جان خود را از دست دادند.

دنیا شاهد یکی از نمونه های قلدری قدر قدرتی یک قدرت امپریالیستی علیه ملتی بود که تنها جرمشان وجود مخازن نفتی عظیم و قرار داشتن در یکی از مناطق استراتژیک دنیا بود. امپریالیستهای آمریکایی و انگلیسی برای کنترل جهان هم به نفت و هم به این موقعیت استراتژیک احتیاج دارند. آنها برای توجیه کردن این اشغال شان بهانه آوردند که صدام برای مردم جهان یک خطر محسوب می شود چرا که دارای سلاحهای شیمیایی است. آنها گفتند که صدام یک دیکتاتور است و مردم عراق از او بیزارند. آنها گفتند که صدام سلاحهای شیمیایی را در رابطه با مردم خودش بکار برده است. آنها بارها و بارها به کشتار مردم حلبچه توسط صدام اشاره کردند. اما آنچه را که به روی نا مبارک خود نیاوردند این بود که این غول صدام توسط خود این امپریالیستها ساخته و پرداخته شده است. توسط خود آنها مسلح شد. آنچه را که به مردم نمی گفتند این بود که خود این امپریالیستها بخصوص آمریکا و انگلیس بودند که در دادن سلاحهای شیمیایی به عراق با هم کورس گذاشته بودند. آن چیزی که تلاش می شد به عبث از مردم پنهان بماند این بود که همین امپریالیستها بودند که صدام را تشویق به استفاده از سلاح شیمیایی و کشتار بیش از پنج هزار نفر از توده های زحمتکش مردم کرد در حلبچه نمودند؛ آنها به مردم نمی گفتند که بلافاصله بعد از کشتار حلبچه روابط خود را با صدام حفظ کردند و حتی بهبود بخشیدند، آنها تلاش کردند که دنیا فراموش کند که امپریالیستها مانع شدند صدام به خاطر استفاده از سلاح شیمیایی در حلبچه محکوم شود. آیا برآستی با این همه عوامفریبی میتوان انتظار داشت که مردم این دروغها را باور کنند؟

با این حمله دنیا شاهد یکی از بزرگترین دروغپردازی ها و سانسور کم مانند رسانه های وابسته به امپریالیستهای آمریکا و انگلیس بود. رسانه های معروف خبری چون سی ان ان و بی بی سی در بسیاری از موارد حتی از حفظ ظاهر دمکراتیک هم عاجز ماندند و بغیر از معدود عناصر متعهد، عملاً رسانه ها نقش سخنگوی جنگی بوش و بلر را بازی کردند. آنها بدروغ نیروهای دو قدرت امپریالیستی آمریکا و انگلیس به همراه اندکی نیروی استرالیایی را به عنوان نیروهای انتلا فیون به مردم غالب می کردند؛ آنها بصورت یک جانبه ای هر خبر بدروغ و راست از جانب ارتش آمریکا و انگلیس را به مثابه واقعیت به خورد مردم دادند. آنها اشغال وحشیانه را بعنوان جنگ آزادیبخش و جستجو برای سلاحهای کشتار جمعی تبلیغ کردند. هر کشتار وحشیانه را با هزار اما و اگر و شک و تردید اعلام کردند. در حالیکه هر گونه دروغ پراکنی آنها در مورد پیروزیهایشان و عراق در مورد دستاوردهایشان را به عنوان واقعیت به خورد مردم میدادند. آنها با از مبارزات مردم در سراسر دنیا دم برنیوردند یا با حداقل ممکن آنرا انعکاس دادند و به سرعت از آن گذشتند. این رسانه ها نیروی اصلی جنگ روانی امپریالیستی بودند که به کثیف ترین وجهی به پیش برده شد.

از طرف دیگر از همان ابتدا توده های مردم در سراسر دنیا دروغ بافی های امپریالیستی را به پیشی نخریدند و با دنیایی پر از نفرت نسبت به امپریالیستهای متجاوز در ابعادی بی سابقه فریاد اعتراض خود را بلند کردند. تا خود را در کنار مردم ستمدیده عراقی قرار بدهند. توده های ستمدیده زن و مرد، پیر و جوان، سیاه و سفید، از هر ملیتی و هر مرامی در کنار هم قرار گرفتند تا به همه مرتجعین اعلام کنند که ما مردم ستمدیده در هر کجای دنیا که باشیم در یک صف قرار داریم و جنایات اشغالگران را بی پاسخ باقی نخواهیم گذارد. قدرت اعتراضات مردم ضربات مهلک و التیام ناپذیری را بر امپریالیستها باقی گذارد. بر افراد بوش و بلر افزود، شکافهای میان امپریالیستها و همچنین درون دولتهای کشورهای طرفدار جنگ مثل انگلیس و اسپانیا و ایتالیا را عمیقتر کرد و اهداف امپریالیستی بوش و بلر و دولتهای آنها را برای میلیونها نفر مردم دنیا افشا کرد. در این مبارزات همچنین بسیاری از نسل جوان در سراسر دنیا از این مبارزات آموختند، قدرت توده های مردم را احساس کردند، نفرت عمیقتری نسبت به دشمنان مردم یافتند و خود را برای مبارزات بعدی و یا رهبری مبارزات بعدی با مرتجعین آماده کردند. این در حالی بود که دولتهای بزرگ و کوچک از جمله ایران از ترس مردمشان با عبارات دیپلماتیک و ظاهری، زیاده

روي هاي بوش و بلر را مورد انتقاد دوستانه قرار مي دادند اما بخاطر منافعشان و يا از ترس اينکه مبدا هدف بعدي قرار گيرند يا سکوت کرده و يا پنهاني به خونخواران اشغالگر کمک هاي مهم عرضه کردند.

بوش و بلر و شرکا علیرغم بکار بردن زور و تهديد و ترعيب و تطميع نتوانستند راي شوراي امنيت را براي مشروعيت بخشیدن به جنگ جنايت کارانه اشان بخرند. در نتيجه بدون پوشش سازمان ملل به اشغال عراق پرداختند. دليل عمده آن مخالفت يك پارچه توده هاي مردم در سراسر دنيا بود و از طرف ديگر مخالفت قدرتهاي بزرگ ديگر بود که اين جنگ را به نفع منافع امپرياليستي خود نميديدند.

حمله به عراق يکبار ديگر نشان داد که سازمان ملل تنها پوششي است براي اهداف و منافع قدرتهاي بزرگ. قطعنامه ها و مصوبات آن تنها بازيچه اي است براي امپرياليستها که از طريق آنها به کنترل کشورهاي جهان سوم بپردازند. آنجا که منافع قدرتهاي بزرگ تصادم مي کند اين پوشش به کناري افکنده مي شود.

از طرف ديگر اين جنگ وحشيانه همچنين از دمکراسي هاي غربي و انتخابات نمايشي آنها پرده برداشت. اين دولتهاي به اصطلاح منتخب علیرغم تمام تلاش هاي مذبوحانه براي موجه جلوه دادن اين جنگ ارتجاعي اشان با مخالفت توده هاي عظيم مردم در کشور هایشان روبرو شدند. مخالفت با سياستهاي جنگي در انگليس و اسپانيا بزرگترين تظاهراتها و مخالفت هاي اين کشورها را در تاريخشان دامن زد. اما اين دولتهاي به اصطلاح دمکراتيک به اين مخالفتها واقعي نگذارند و بر شيبور جنگ دميدند.

بالاخره ارتشهاي اشغالگر پس از بيار آوردن فجايع و جناياتي که روي مهاجمين مغول درحمله قرن سيزده به بغداد را سفيد کردند بغداد را اشغال کردند. صحنه تلویزيون و صفحات روزنامه هاي طرفدار جنگ به تکرار به رقص و پایکوبي چند صد نفر از اهالي بغداد پرداختند که سقوط صدام را جشن گرفتند اما از صحنه هاي کشتار توسط اشغالگران خبري نبود از صحنه هاي بيمارستانهاي که پر از زخميهاي بمبارانها بودند خبري نبود و از صحنه خانواده هايي که در همان زمان اعضاي خانواده اشان مورد اثابت بمب ها قرار گرفته خبري نبود.

واقعيست که صدام سقوط کرد اما توسط کساني که او را بقدرت رسانده بودند، تسليح کرده بودند و جنايات مهم او را مورد حمايت قرار داده بودند. بنا بر اين مردم عراق اگر چه از شر صدام راحت شده اند اما اينک در بند کساني قرار گرفته اند که در هر جيب اشان چندین نمونه از صدام دارند.

بنا بر اين اشغال بغداد و سقوط صدام نه به معني پايان جنگ است و نه به معني اينست که مردم از استثمارگران شان رهايي يافته اند بلکه دور جديدي از مبارزات براي مردم عراق آغاز خواهد شد. مردم عراق بزودي يا با حکمرانان آمريکايي که بر کشورشان حکم مي رانند و عراق را به مستعمره کامل تبديل کنند روبرو خواهند شد و يا با يکي از نوکران حلقه بگوش آنها که سياستهاي تام و تمام آنها را اجرا خواهند کرد. اما تضاد بين مردم عراق و صدام حاکی از وجود يك مبارزه بين آنها بود. در اين ميان امپرياليستها بغير از وابستگي و يك حاکم ديکتاتور ديگر چيز ديگري ندارند تا به مردم عراق عرضه کنند. بي دليل نبود که امپرياليستها اعلام کرده بودند که مي خواهند تنها صدام و گروهی از نزديکانش را از سر راه بردارند اما نظام اداري را حفظ کنند تا بتوانند هر چه سريعتر نفت را غارت کنند و قدرت سرکوب باقي بماند.

مردم جهان به چشم خود «آزاد سازي» افغانستان راديدند که چگونه دولتي اسلامي و تا مغز استخوان وابسته به قدرتهاي امپرياليستي شکل داده شد. ديدند که اين حکومت هيچ تفاوت اساسي با حکومت قبلي ندارد. با اين تفاوت که سرکوب مردم افغانستان و بطور مشخص زنان بوسيله دولتيان حاکم بر افغانستان و با حمايت ارتش آمريکا و انگليس که در افغانستان حضور دارند، انجام مي گيرد.

بسياري از مردم دنيا بخصوص توده هاي منطقه خاورميانه که تجربه سالها سلطه انگليس و آمريکا را دارند براي واقعيست آگاهي دارند. اما براي آن عده قليلي که ممکن است تحت تاثير عوامفريبي هاي اين خون آشامان قرار گرفته باشند وقت زيادي لازم نخواهد بود تا واقعيست برایشان روشن شود.

بنا بر اين نه مبارزه مردم عراق پايان يافته است و نه جنگ اشغالگرانه آمريکا - انگليس. جنگ عليه مردم عراق و مبارزات مردم عراق تا بيرون راندن نيروهاي اشغالگر به ناگزير ادامه دارد و همچنين مبارزه مردم دنيا در حمايت از مبارزات مردم عراق براي بيرون راندن اشغالگران و افشاي عوامفريبي هایشان ادامه خواهد يافت. امروز خواسته مردم عراق و مردم جهان در اين شعار فشرده مي شود: امپرياليستهاي اشغالگر گورتان را از عراق گم کنيد!

سازمان زنان هشت مارس (ايراني - افغانستاني) - انگلستان

10 آپريل 2003